

دکتر جهانبخش ثواقب

استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان

سیاست‌های شاه عباس اول در رونق تجاری ایران

چکیده

در ایام فرمانروایی شاه عباس اول صفوی (1038-996 هـ.ق) در اقتصاد ایرانچه از لحاظ کشاورزی و چه زندگی شهری و تجارت، پیشرفت و اعتلای مشخصی مشهود بوده است. افزایش تولیدات توسعه بازرگانی خارجی، اهمیت یافتن شهرها به عنوان مرکز تجارت و تولیدات صنعتی و بسط بازار داخلی از جلوه‌های رشد اقتصادی این دوره می‌باشد. شاه عباس اول از طریق ایجاد ثبات سیاسی، مرکزیت شدید و امنیت داخلی، احداث راه و کاروانسرا، مبارزه با دزدی و راهزنی، سازمان دادن به تولید و تجارت ابریشم، حمایت از اتباع خارجی و استفاده از حضور شرکت‌های خارجی توانست در شکوفایی اقتصادی عصر خود بکوشد. در این مقاله، اقدامات مختلف شاه عباس اول در رشد تجارت ایران در نیمه اول سده یازدهم هجری قمری مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها

صفویه، شاه عباس اول، اقتصاد، تجارت، اقدامات

مقدمه

ثبات سیاسی، مرکزیت شدید و امنیت داخلی به خصوص نظام راهداری موجب شد که اقتصاد ایران در زمان شاه عباس اول در مسیر ترقی و شکوفایی گام نهد. یکی از چشمگیرترین ویژگی‌های اقتصاد این دوره رشد تجارت بود که بیش از پیش توسعه یافت و موجب رونق اقتصادی کشور شد. افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی و توسعه معاملات داخلی و خارجی، به‌افزایش جمعیت، فعالیت دائمی بازارها، ایجاد مشاغل تولیدی، معامله گری و گردش پول کمک کرد.

باتثبات اوضاع در این دوره، شهروندی گسترش یافت و حرفه‌های گوناگون شهر نشینی به وجود آمد و حومه شهر، مواد خام اولیه را برای تهیه مصنوعات و امتعه تأمین می‌کرد و در راههای ارتباطی امن که به وسیله راهداران نظارت می‌شد، کاروان‌های بی‌مار، به صورت منظم و وقفه ناپذیر به حرکت درآمدند. شهرهای اصفهان، تبریز، اردبیل، کاشان، یزد، بندر عباس، همدان، قزوین، مشهد و بار فروش در دوران سلطنت شاه عباس اول از نظر تجارت و تولیدات صنعتی و کشاورزی گسترش یافتند.

بنا به نوشته «اولئاریوس» در تمام آسیا و حتی در تمام اروپا کشوری یافت نمی‌شد که تجارتش را به اصفهان نفرستاده باشد که بعضی از آنها عمده فروش و برخی دیگر خرده فروش بودند. وی می‌گوید در بازار اصفهان

علاوه بر تجار ایرانی، از بازرگانان هندی، تاتارهای خوارزمی، ترک، ختایی، بخارا، یهودی، ارمنی، گرجی، و در کنار آنها تجار اروپایی از انگلستان، هلند، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا مشاهده می‌شوند. اولناریوس، عده هندی‌ها را در اصفهان بالغ بر دوازده هزار نفر ذکر می‌کند که به فروش پارچه‌های ابریشمی و نخ مشغول بودند. 1

«مانند لسلو» تجارت ایران با اروپاییان را با عبارت زیر توصیف می‌کند: «هلندی‌ها و انگلیسی‌ها از آن جا پول نقد و بعضی از کالاهایی را می‌آوردند که یا به اروپا وارد می‌کنند یا اینک که به هند می‌برند تا به قیمت خوبی بفروشند. هلندی‌ها نسبت به دیگران بهتر جاافتاده‌اند و در تمام ایران به تجارت فلفل، جوزهندی، میخک و سایر ادویه جات مشغول هستند هر چند که آنها حاضر هستند در داد و ستد خود پول نقد و به خصوص ریال و ریکس دلار اسپانیولی بدهند که ایرانیان آنها را نسبت به سایر پول‌ها ترجیح می‌دهند چراکه آنها را ذوب کرده و برای خود سکه‌هایی با سود بیشتر ضرب می‌کنند. انگلیسی‌ها پارچه‌های انگلیسی، حلبی، فولاد، پارچه‌های هندی و ابریشمی و پنبه‌های غیرهندی خود را یا می‌فروشند و یا مبادله می‌کنند. هندیان، ساتن زرباف و سیم باف ایران، پارچه‌های ابریشمی و پنبه رویزی ایرانی را که کلیچه نامیده می‌شود و الکتایفر پرتغالی، ابریشم خام، پنبه، روبار، آب زعفران، و گلاب را خریداری می‌کنند.» 2

داکت که در سال 1573 م به کاشان رفته تحت تأثیر فراوانی انواع کالاها در بازار آن شهر قرار گرفت. 3 و کارترایت در سال 1600 م کاشان را انبار کالاهای همه شهرهای ایران می‌نامد و می‌گوید: «ابریشمی که سالانه برای بافت وارد کاشان می‌شود بیشتر از پنبه‌ای است که وارد لندن می‌گردد.» 4

«توماس هربرت» در سفر خود به ایران در سال 1617 م هنگام دیدار از کاشان، این شهر را با چهار هزار خانواده مهمتر از شهرهای یروک و نورویچ در انگلستان می‌داند. 5

محصول صنعتی کاشان در این دوره، انواع پارچه‌های حریر بود. تجارت این کالا، عده بی شماری از بازرگانان را از اطراف واکناف کشور به این شهر کشانیده بود. مقدار زیادی از این محصول به هند و سایر ممالک آسیایی صادر می‌شد. در اصفهان نیز صنعت طلا کاری و نقره سازی و زری دوزی و اهمیت تجاری بود و تا اواخر عهد صفویه موقعیت خود را حفظ کرد. این امر در نوشته‌های سیاحانی که از آن دیدن کرده‌اند پیداست. تا رونیه، شاردن، کارری و دیگران از جمعیت و بزرگی شهر تبریز و بازارها و کاروانسراهای عالی آن و نیز موقعیت مهم تجاری شهر سخن گفته‌اند. گروه بی شماری از تجار و بازرگانان مختلف از ملیتهای گوناگون در این شهر به تجارت مشغول بودند. عده زیادی صنعتگر ابریشم بافت ماهر در تبریز وجود داشتند که نفیس به عمل می‌آوردند. تمام محصول ابریشم خام گیلان به تبریز غوارد می‌شد و در آنجا برای تهیه نخ و پارچه‌های ابریشمی مصرف می‌شده است. 6

بزرگترین و مهم‌ترین مال التجاره ایران در این دوره، ابریشم طبیعی محسوب می‌شد که عمدتاً از استانهای شمالی: استرآباد، مازندران و گیلان و به میزان کمتری در خراسان و اطراف یزد تولید می‌شد در این میان ابریشم

گیلان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و سهم بیشتری را دارا بود. از این نظر گیلان و مازندران از شهر مهم در نزد سلاطین صفوی بودند و ابریشم گیلان در تمام کشورهای اروپایی اشتها خاص داشت و توانست بازرگان خارجی را به سوی خود بکشاند.

قسمتی از محصول ابریشم تولیدی در این زمان، به خارج صادر می‌شد و بقیه در داخل به مصرف تهیه پارچه‌های لطیف ابریشمی می‌رسید. این پارچه‌ها در کارخانه‌های معروف یزد، کاشان، اصفهان و غیره به عمل می‌آمد که از این محصول نیز قسمتی در داخل به فروش می‌رفت و قسمتی به بازارهای خارجی عرضه می‌شد. 7 به واسطه همین محصول ابریشم، حکومت صفویان با اغلب کشورهای خارجی مناسبات تجاری گسترده پیدا نمود و به بعضی از ممالک، عمال و نماینده بازرگانی فرستاد. چنانکه «شاردن»، ضمن تحسین از توسعه مناسبات بازرگانی در عهد صفویه می‌نویسد: «بازرگانان ایرانی در تمام نقاط از سوئد گرفته تا چین، نماینده دارند و به کار بازرگانی مشغول‌اند» 8

در این عصر، بندر هرمز برای شاه عباس از لحاظ صدور ابریشم ایران که در انحصار خزانه شاهی بود اهمیت فراوان داشت. در طی قرن دهم هجری قمری، هرمز توانست نقش تجاری خود را با داشتن یک «حمل و نقل بزرگ» ایفا کند. زیرا هرمز مرکزی بود برای هلند، ایران، عربستان، عثمانی و همه مناطق و کشورهای دور و نزدیک، معمولاً مملو از ایرانیان، ارمنیان، ترکها و همه ملیت‌های دیگر نظیر و نیزیان بود که در آنجا برای خرید ادویه جات و سنگ‌های قیمتی که به فراوانی از هند به هرمز آورده می‌شد حضور داشتند. این کالاها سپس از آن از طریق خشکی به ونیز فرستاده می‌شدند.

در هر سال دو بار کاروانهای بزرگی از نواحی مدیرتانه و ایران، مال التجاره‌های خود را به هرمز می‌آوردند و کالاهای خویش را عرضه می‌کردند و از این جهت ترافیک بزرگی در هرمز به وجود می‌آمد و بازرگانان گوناگون به خرید و فروش می‌پرداختند. 9

شاه عباس سعی داشت که ابریشم ایران از طریق راه کاروان روی عثمانی که با ایران دشمن بود و عوارض گزافی بابت عبور دریافت می‌کرد به اروپا صادر نشود بلکه از راه دریایی و هرمز و دور افریقا ارسال گردد و مخارج حمل ابریشم از طریق مذکور راه ارزانتر از راه عثمانی یا راه ولگا، خزر تمام می‌شد و نفع بیشتری برای شاه داشت. به دنبال اعزام نمایندگان و سفرایی از جانب شاه عباس به دربار کشورهای اروپایی جهت انجام مذاکره درباره صدور ابریشم و دیگر کالاهای ایران و آمدن عاملان آن کشورها به ایران، سرانجام رقابت کشورهای مختلف در ایران جهت خرید ابریشم آغاز شد.

با تأسیس کمپانی‌های مختلف هند شرقی انگلیس و هلند و در آخر کمپانی فرانسه و ورود به بازار تجارت ایران دوره‌ای از رقابت این کمپانی‌ها آغاز شد. این شرکت‌ها توانستند تجارتخانه‌هایی در ایران و مخصوصاً در گیلان، اصفهان، هرمز و شهرهای دیگر تأسیس نموده و مشغول داد و ستد کالاهای ابریشمی و غیر آن شوند. در نتیجه به ویژه تجارت ابریشم در ایندوره، یکی از راه‌های عمده تأمین درآمد دولت صفوی محسوب

می‌گشت که از فروش آن، سالیانه مبالغ هنگفتی عاید خزانه شاهی می‌شد. تجارت فراورده‌های ابریشمی (انواع منسوجات و فروش‌های ابریشمی) که خود یکی از اقلام مهم صادراتی ایران را در عصر صفوی تشکیل می‌داد نیز سالیانه پول هنگفتی را وارد مملکت می‌کرد و مشتریان فراوانی را از اکناف عالم به این سو می‌کشاند.

مالیاتی که از تولید کنندگان ابریشم و دیگر محصولات کشاورزی مطالبه می‌شد و نیز حقوق گمرکی و عوارض راهداری که از محموله‌ها و کاروان‌های تجاری دریافت می‌شد مبلغ بسیاری می‌شد که به خزانه دولت وارد می‌شد.

اقدامات شاه عباس اول در رشد تجارت

غالب سیاحان و مؤلفان اذعان نموده‌اند که شاه عباس اول به امر تجارت اشتیاق داشت و معتقد بود که بازرگانی از راه‌های عمده ثروتمندی و آبادانی کشور است، او پیوسته می‌کوشید تا آنجا که میسر باشد با افزودن بر صادرات و کاستن از واردات، بر ثروت کشور بیفزاید، لذا در امور بازرگانی مداخله و اعمال نفوذ کرده، خرید و فروش کالاهای خارجی و داخلی از جمله معاملات ابریشم را در اختیار خود گرفت.

قبل از وی بازرگانی ایران با دیگر کشورهای رونق چندانی نداشت. جنگ‌های شاه اسماعیل با اوزبکان و عثمانیان و اوضاع آشفته اولیه صفویه فرصت مناسبی را برای توسعه تجارت به ویژه تجارت ابریشم که کالای استراتژیک کشور بود فراهم نیاورده بود. شاه عباس در همان آغاز سلطنت خویش به ضرورت افزایش صادرات کشور پی برد. زیرا که در گذشته افزونی واردات کشور بر صادرات موجب کاهش ارزش و مقدار سرمایه‌های نقدی شده بود. لذا خرید و فروش بسیاری از محصولات و کالاهای گرانبها و مرغوب ایران را در اختیار خویش گرفت و از آن جمعه معاملات ابریشم در تمام دوران حکومتش در انحصار وی بود.

بنا به دستوری که از جانب شاه عباس در این باره داده شده بود، تولید کنندگان ابریشم ناگزیر بودند که تمام محصول سالانه خود را به وسیله وزیر مخصوص که مأمور مراقبت در امور تجاری بود به شخص شاه بفروشند. شاه عباس، ابریشم را از مالکان آن به نصف بهایی که مشتریان دیگر از جمله ارامنه جلفای اصفهان خریدار بودند می‌خرید و سپس آن را به بازرگانان ایرانی و بیگانه به قیمتی که خود معین می‌کرد می‌فروخت و همه ساله از این راه سود گرافی که به گفته برخی از معاصران وی در حدود هشت میلیون تومان بوده است به خزانه خویش می‌ریخت. 10

به تجاری هم که احیاناً بر خلاف دستور او از دیگران ابریشم می‌خریدند اجازه می‌داد که آن را از طریق آسیای صغیر و خاک عثمانی صادر کنند و برای هر بار به دلخواه خود مبلغی از ایشان می‌گرفت. بازرگانان و نمایندگان بازرگانی کشورهای خارجی هم بدون اجازه شاه عباس اقدام به خرید ابریشم نمی‌کردند.

شاه عباس پس از آن که خرید و فروش ابرشم ایران را در اختیار خویش گرفت برای این که از مصرف ابرشم در داخل کشور بکاهد و بر میزان صادرات آن بیفزاید، دستور داد که مردان از پوشیدن لباسهای ابریشمی اجتناب کنند و بیشتر لباسهای نخی و پنبه‌ای بپوشند. 11 از این راه با صدور ابرشم به کشورهای بیگانه بر ثروت کشور افزود.

یکی از موفقیت‌های شاه عباس نظام بخشیدن به تجارت ابرشم بود. اولاً انحصار این کالا در اختیار شاه بود. عاملان شاه ابرشم را از تولید کنندگان خریداری و در انبارهای شاهی انبار می‌نمودند سپس شاه خود به نمایندگان کمپانی‌های خارجی و یادیدگر خریداران به فروش می‌رسانید. ضمن آنکه از خریدهای خارج از موجودی سلطنتی نیز مالیات گرفته می‌گرفت بدین صورت که برای هر بار ابرشم خرید شده برای صادرات 12 تومان و برای هر بار ابرشم خرید شده برای عمل آوردن در ایران، 4 تومان مالیات پرداخت می‌شد. 12

اگر چه از ایرانیان، غیر از ارامنه، تجار دیگری که کالاهای ایران را به قیمت بالا در اروپا بفروشد، کمتر یافت می‌شد، ولی روی هم رفته منافع حاصله از فروش ابرشم و سایر کالاهای کشور و درآمد عمومی در دوره شاه عباس، رضایت بخش عنوان شده است در این زمان تجارت ابرشم که مهمترین کالای صادراتی صفویه به شمار می‌رفت، و به دو بخش تقسیم می‌شد. تجارت داخلی که غالباً توسط بازرگانانی ایرانی صورت می‌گرفت، و تجارت خارجی که عمدتاً در دست ارمنیان بود. شاه عباس به شیوه‌های مختلفی سعی در بازاریابی و صدور محصولات ایران به ویژه ابرشم داشت. عاملان تجاری کشورهای خریدار، کمپانی‌های مختلف اروپایی طرف قرارداد تجاری، تجارارمنی که عاملان شاه در صدر و ابرشم بودند. نمایندگان و سفرای سیاسی شاه به دربار ممالک خارجی از عواملی بودند که از طریق آنها بازاریابی می‌شد و همچنین محصولات ایران خاصه ابرشم در بازارهای دیگر کشورها به فروش می‌رفت. 13

در وقایع شاه عباس متوجه شد که علاوه بر در آمد کشاورزی و معادن و استفاده از منابع طبیعی، یک عامل بزرگ اقتصادی دیگر که ارزش خارجی را به کشور خواهد رساند نیز وجود دارد و آن تجارت است، لذا به تشویق تجارت پرداخت و سیاست کلی اش ایزنبود که حتی الامکان بر صادرات بیفزاید و از واردات بکاهد. شاه عباس برای دستیابی به این هدف و رونق بازرگانی و داد و ستد در داخل کشور، به اقدامات مختلفی دست زد که تقریباً در این امر مؤثر واقع شد:

الف) امنیت راه‌ها و مبارزه با راهزنان

اولین اقدام شاه عباس در این زمینه این بود که امنیت داخلی را در کشور برقرار کرد تا با وجود امنیت و آرامش راه‌ها و مسیرها، ارتباطات و رفت و آمدها آسانتر و مردم بیشتر به امر سرمایه‌گذاری در کار تجارت ترغیب شوند و او با مبارزه شدید با راهزنان، برقرار نمودن نظام راهداری در طول راه‌ها، تقویت محاکم قضایی و مأموران محلی جهت مجازات راهزنان و دزدان، امنیت راه‌های تجاری را تأمین نمود و با این گونه اقدامات

توانست که در داخل کشور، مسافران، کاروان‌های تجرای و اموال آنان را از خطر دستبرد راهزنان محافظت نماید و این نظام در آغاز کار خود به نحوه مؤثری کار می‌کرد به طوری که بسیاری از مسافران اروپایی، میزان امنیت شاهراه‌های ایرانی را در مقایسه با عثمانی خوب دانسته‌اند. راهدارها و یا مستحفظین در فاصله‌های معین در مسیر راه‌ها مستقر بودند و مانع دستبرد و راهزنی دزدها به کاروان‌ها می‌شدند. برای دزدان و راهزنان مجازات سختی در نظر گرفته شده بود و مجازات معمول دزدان دستگیر شده مرگ بود. آنها را با قساوت و بی‌رحمی و بدون امید شفاعت و عفوی به فجیع‌ترین شکلی شکنجه و مجازات و اعدام می‌کردند. 14

ب) احداث راه و کاروانسرا

شاه عباس علاوه بر ایجاد نظام راهداری و مبارزه شدید با راهزنان، به احداث، تعمیر و آبادانی راه‌ها و تسهیل نمودن امر ارتباطات پرداخت. او با اقدام به امر راهسازی، راه‌های کاروان رو مناسبی را در کشور احداث نمود و بر روی رودخانه‌ها و جایگاه استراتژیک، پل‌هایی ساخت و حتی در ایالت‌های شمالی ایران مانند گیلان و مازندران و در مرکز کشور رجاده‌های سنگفرش ایجاد کرد. 15

وجود راه‌های مناسب کاروان رو خود یکی از عوامل مهمی بود که امر تجارت و رفت و آمد را تسهیل می‌کرد و به آن رونق می‌بخشید. زیرا سختی و خرابی راه‌ها در امر بازرگانی و قافله‌های تجاری مشکلات و موانعی را ایجاد می‌کرد. احداث راه‌های مالرو و مرمت و مراقبت آنها می‌توانست کاروانیان را به امر داد و ستد دلگرم سازد و باطبع به رشد بیشتر آن می‌انجامید و یکی از اقدامات شاه عباس در همین زمینه بود. ایجاد بازارهای سرپوشیده در شهرهای مختلف جهت عرضه کالاها و داد و ستد بازرگانان و کسبه از دیگر اقدام‌های شاه عباس در توجه به تجارت بود. یکی از این گونه بازارها هنوز در اصفهان وجود دارد. 16

ایجاد شبکه کاروانسراها در طول راه‌های تجاری از اقدامات دیگری است که وی جهت بهبود وضع تجارت نمود. این شبکه کاروانسرایبی که در کشور و در طول راه‌های تجاری اصلی قرار داشت حائل امنی برای اجناس و حیوانات باری تجار فراهم می‌آورد و همچنین امکانات عرضه کالاها و انجام معادلات کوچک را در توقف‌های شبانه در اختیارشان می‌نهاد.

راه‌ها و فواصل مملکت دور و اغلب بی‌آب و علف بود. چیزی که در این راه خشک و بی‌آب و علف مایه تسلی مسافران بود، همین کاروانسراها بود که در آن به آسایش می‌پرداختند و خود موجب حفظ کالا و امنیت راه و تأمین آذوقه و ایجاد ارتباطات محسوب می‌شدند.

غالب سیاحان خارجی در سفر نامه‌های خود به کاروانسراهای متعدد در ایران اشاره کرده‌اند 17 و به توصیف آنها پرداخته‌اند. این کاروانسراها در امر تجارت و از جمله تجارت ابریشم نقش مهمی داشتند، زیرا رفت و آمد قافله‌های بازرگانی را تسهیل می‌کرد.

ج: حمایت از اتباع خارجی «بازرگانان و مبلغان مسیحی»

امنیت راه‌ها و ترغیب و تشویق شاه عباس به مسأله تجارت و حمایت از بازرگانان خارجی، تجار خارجی را به سرمایه‌گذاری در ایران مشتاق ساخت. علاوه بر بازرگانانی که به طور خصوصی به ایران آمده و به کار تجارت پرداختند و از این راه به ثروت سرشاری دست یافتند، در این دوره قراردادهای متعددی خصوصاً در مورد تجارت ابریشم با دول خارجی و کمپانی‌های مختلف آنها منعقد شد. اقدامات اولیه شاه عباس برای تسهیل تجارت و هدف اقتصادی که وی از این گونه اقدامات داشت، بازرگانی خارجی را افزایش داد زیرا با آبادانی راه‌ها و بر اساس اهمیت اثر اقتصادی همین راه‌ها بود که شاه عباس، بندر مهم هرمز و بند جرون را توسعه داد و امنیت آن جا را به وسیله حکمرانان وفادار خود در فارس و کرمان تأمین کرد و این بنادر را در خدمت تجارت و بازرگانی قرار داد به طوری که «گاه بیش از سیصد کشتی از کشورهای مختلف در لنگرگاه هرمز جمع می‌شدند و همیشه چهارصد تاجر در آن شهر اقامت داشتند.»¹⁸

به خاطر تأمین امنیت همین بنادر بود که شاه عباس از کمک انگلیسی‌ها در جهت دفع پرتغالیان استفاده کرده و به همین دلیل ناگزیر شد به آنان امتیازاتی در امر تجارت بدهد که تا زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان ادامه داشت.

تجارت عمده‌ای که از این بنادر انجام می‌شد مروارید و ابریشم و ادویه و سنگ‌های قیمتی بود. معمولاً در برابر ابریشم، کالاهای اروپایی خصوصاً ماهوت دریافت می‌شد.

شاه عباس در اقدامات خود جهت توسعه تجارت سعی نمود با ایجاد روابط بازرگانی با ممالک خارجی و برقراری مناسبات دوستانه با آنها کالاهای ایران و کالاهای چین و هند را که از ایران می‌گذشت در کمال امنیت به آن کشورها برساند. رقابت تجار پرتغالی و انگلیسی و هلندی و سایر کشورهای اروپایی در تمام روزگار صفویه بر اساس همین سیاست تجارتنی به میان آمد. این داد و ستدها خود موجب کسب ثروت برای شاه و تا حدودی رشد اقتصادی عمومی کشور می‌شد. او برای رشد تجارت و فروش محصولات داخلی، با اروپاییان و بازرگانان خارجی به نرمی رفتار می‌کرد و با اتخاذ سیاست دوستانه، آنان را در بازار معامله ایران وارد می‌کرد، در اثر این سیاست، تعداد تجارتخانه‌های اروپایی در ایران روز به روز زیادتر می‌گردید.

اروپاییان، ایران را ملجاء خوبی برای انجام عملیات خود در شرق می‌دانستند، از این لحاظ آمد و رفت آنها به ایران رو به ازدیاد گذاشت.

رفتار شاه عباس نسبت به اقلیت ارمنه نیز بسیار ملایم بود زیرا آنها می‌توانستند روابط او را با ممالک اروپا به علت هم‌کیشی تحکیم سازند. شاه عباس را مسکن دادن چندین هزار ارمنی در جلفا و با دعوت سفرا مبلغین مذهبی، جواهر سازان، صنعتگران، ساعت سازان، مهندسی و تجار خارجی به دربار خود کمک موثری در ایجاد روابط بیشتر با کشورهای اروپایی نمود و همینان به رونق بازار تجارت ایران به ویژه ابریشم کمک کردند.

فرامین متعددی از شاه عباس اول و سلاطین بعدی صفوی موجود است که درباره امور بازرگانی و در جهت رفاه حال مبلغان و کشیشان مسیحی و تجار بازرگانی آنها صادر شده و از عموم مردم ایران خواسته شده که همه گونه وسایل امنیت و آسایش زیست و عبور و مرور آنها را فراهم نمایند. نرمش و ملاطفتی که شاه عباس با این عوامل مذهبی و سیاسی و تجاری انجام می‌داد، عمدتاً برای فروش ابریشم و بازاریابی در کشورهای خارج جهت صدور این محصول بود و ابریشم خود یکی از علل تشدید روابط دوستانه تجاری بین ایران و اروپا گشت. زیرا در قرن دهم هجری قمری / هفده میلادی، ایران مقدار قابل توجهی از ابریشم دنیا را تهیه می‌کرد و از راه زمین و دریا به اروپا که غالباً به قیمت‌های گزاف به فروش می‌رفت حمل می‌نمود.

بنابراین در طول دوره صفویه، پیوسته دو نکته علایق ایران و اروپا را در بر می‌گرفت. اولین نکته عامل سیاسی یعنی همان خصومت دیرینه بین ایرانیان و ترکان عثمانی بود. سلاطین صفوی در صدد جلب حمایت و دوستی کشورهای اروپایی در جهت اتحاد در مقابل نیروهای عثمانی بودند. دومین نقطه ثقل علاقه این دو را باید در تجارت یافت. زیرا ایران مقدار معتناهی ابریشم به اروپا صادر می‌کرد از آنجا که تجارت ابریشم در انحصار شاه بود، خریداران علاقمند مجبور به کسب اجازه تجارت و قرار داده بودند. این امر از طرفی منجر به برقراری کمپانی‌های تجاری کشورهای مختلف می‌شد و از طرف دیگر، شاهزادگان و شاهان اروپایی، موقعیت را بسیار مناسب و خوب می‌یافتند که ضمن قرار داد با شاه ایران بتوانند کالاهای پرازش ایرانی را نیز به کشورهای خود صادر کنند.

سخن مورخ عصر شاه عباس گویای گستردگی روابط ایران و جهان در این دوره است وی می‌نویسد: «پادشاهان عرصه گیتی از مسلم و غیرمسلم از اتصای ممالک فرنگستان و اروس و کاشغر و تبت و هندوستان با آن حضرت طرح الفت و آشنایی افکنده از حسن خلقتش متواترا ایلچیان به درگاه عرش آشیان فرستاده اظهار عقیدت و دوستی می‌نمودند، و تحف و هدایا نفیسه هر دیار زیاده از چند و چون می‌گذرانیدند و سلاطین فرنگیه و پادشاهان مسیحیه از لاز و نمه و فرانسه وانگلیس و لنڈیس و پرتگال و اسپانیه و پاپ که بزرگترین پادشاهان نصاری و خلیفه ملت حضرت عیس علی نبینا و علیه السلام و مقتدای طوایف مسیحیه است با وجود بعد مسافت و مکان و دریاها ما بین محیط و عمان از آوازه عدالت و سلوک پسندیده‌اش با طبقات انسانی با آن حضرت از روی عقیدت آمیزش نموده عتبه علیه اش از آمد و شد رسولان سخندان و وصول هدایای هر دیار خالی نبودند» 20

در زمان شاه عباس و در طی قرن یازدهم قمری، اصفهان یکی از زیباترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای جهان و در عین حال یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری گردید. اصفهان محل فروش ابریشم‌های شاهی و بازار عمده پارچه‌های ابریشمین خاور زمین شد. علاوه بر این، محصولات کشورهای دیگر نظیر هندوستان نیز به بازار این شهر وارد می‌شد. رونق اصفهان خود بر جاذبه تجارت افزود و بازرگانان مختلفی به این شهر جهت امر تجارت رو آوردند. در کنار ایرانی‌ها، هندی‌ها، تاتارها، شاخه‌های مختلفی از ترکها، یهودیان، ارمنه، یونانی،

شاماتی، گرجی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها، اسپانیایی‌ها و دیگر نژادها، زندگی و کار می‌کردند. 21

در مجموع رفق و مدارای شاه عباس با بازرگانی به خصوص ارامنه و تجار اروپایی، ترغیب امر تجارت و اقداماتی که وی جهت توسعه تجارت خارجی ابریشم و سایر کالاها به عمل آورد، موجب شد که بازرگانان بسیاری از ملیت‌های مختلف وارد ایران شوند و نظر مساعد اروپاییان به تجارت ایران جلب شود. از همین راه، محصولات ایران به فروش می‌رسید و درآمد هنگفتی نصیب خزانه دربار شاهی می‌گردید. از این رو با رونق یافتن کشاورزی، صنعت و تجارت، ایران رابط تجاری هندوستان و مغرب زمین شد.

د: استفاده از ارامنه در تجارت ابریشم

شاه عباس به منظور افزایش تولید ابریشم و سایر محصولات داخلی و توسعه امر تجارت، همچنین سعی نمود تا برخی از شهرها پرجمعیت و آباد شده و محلی برای جذب افرادی باشد که در امر پرورش کرم ابریشم و تولید ابریشم خام و نیز در امر تجارت سر رشته و مهارت مختلفی که در اصفهان و جلفا به کار بست، ضمن پر جاذبه ساختن اصفهان برای ورود بازرگانان، با حمایت از ارامنه، آنها را امر تجارت ابریشم به خدمت گرفت. 22 علاوه بر اصفهان، شاه عباس کوشش کرد که مازندران تا سر حد امکان پر جمعیت و زیبا شود. او از هر جا که لازم می‌دانست مردم زیادی را به مازندران منتقل و ساکن کرد. سپس به همه آنان زمین داد و ادارشان کرد تا کارهایی را که درموطن خود انجام می‌دادند در این شهر نیز انجام دهند، به طوری که در مازندران هنرهای دستی زیادی که قبلاً وجود نداشت به وجود آمد و وضع زمین در اثر کشت و زرع تغییر بسیار کرد.

از این نیروها، آنان که زارع بوده و یا مانند گرجی‌ها، ارامنه و سایر مسیحیان و یهودیان به ترتیب کرم ابریشم آشنایی داشتند، دارای زمین و اسباب و ادوات لازم به بذر و چارپا شدند و به کار تولید ابریشم اشتغال یافتند و اطراف فرح آباد مملو از درختان توت جهت تغذیه کرم ابریشم شد که از نقاط مختلف بدان جا آورده و غرس می‌کردند. آذربایجانی‌های اهل شیروان را نیز در این شهر سکونت داد و ادار به فعالیت کرد و آنان را مجبور نمود تا تهیه ابریشم را یاد بگیرند. 23

در میان بازرگانان مختلف که به کار تجارت در ایران اشتغال داشتند، از نظر کیفی بیشترین و بهترین آنها ارامنه بودند که در داخل و خارج کشور به داد و ستد مشغول بودند. یکی از امتیازات تجار ارمنی برای صفویان این بود که سود عیادی از تجارت قماش توسط ارمنیان، معمولاً در ایران باقی می‌ماند و از کشور خارج نمی‌شد، اما در مورد تجار و شرکت‌های خارجی که شاه از آنها حمایت می‌کرد چنین نمود و لذا یکی از کوشش‌های شاه عباس همین بود که می‌خواست تجارت بیشتر در دست رعایان خویش از جمله ارامنه باشد تا نصف آن عاید خودش شود و با این کار، پول در مملکت بماند و نقدینه از کشور به خارج حمل نشود. 24

تکیه شاه عباس بر آرامنه شاید در دراز مدت حیاتی‌ترین کمکی بود که وی به اقتصادی ایران کرد و جلفا پس از این که به عنوان عاملان شاه عباس در امر تجارت ابریشم در آمدند، با فروش ابریشم‌های شاه در بازارهای اروپا به زودی قابلیت خود را نشان دادند و سر رشته این کار را به دست گرفتند و مهارت‌های لازم را به دست آوردند. آنان در بسیاری از کشورهای دیگر دارای نمایندگی شدند و در امر تجارت هم خود صاحب سرمایه‌ها کلان گشتند و هم خزانه دربار شاه صفوی از سکه‌های طلا انباشته شد. آرامنه توانستند که روابط خارجی ایران را با کشورهای اروپایی تسهیل کنند و آنها را در تجارت ابریشم ایران وارد سازند.

نتیجه

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که شاه عباس با برقراری امنیت سیاسی و اقتصادی، ایجاد کاروانسراها، سخت‌گیری و مبارزه با راهزنان و دزدان و حفظ راه‌ها، پشتیبانی از ترقی و رشد تجارت و صنایع و حرف و حتی در برخی جنبه‌ها، معاف داشتن مردم از پرداخت مالیات، توانست به امر تجارت رونق خاصی ببخشد و در این امر انحصار ابریشم را که یکی از کالاهای استراتژیکی بود خود به دست گرفت.

او با اقدامات خود در زمینه افزایش و ترقی تجارت، ضمن بهبودی این امر، از یک طرف عایدات دربار شاهی را از راه فروش کالاهای ایران من جمله ابریشم افزونتر ساخت و از طرف دیگر با افزایش تولید ابریشم در کشور، درآمد و ثروت بازرگانان از راه تجارت ابریشم و سایر کشاورزان و تولیدکنندگان مناطق ابریشم خیز به واسطه تولید و فروش آن بالا رفت به گونه‌ای که اولئاریوس می‌نویس: «ابریشم ثروت هنگفتی را برای ایرانیان به ویژه آنان که چندین محوطه برای پرورش کرم ابریشم دارند به ارمغان می‌آورد.» 26

همچنین اقدامات که رشد تولید ابریشم و سایر محصولات، و تسهیل امر داد و ستد را به دنبال داشت موجب روابط هر چه بیشتر ایرانیان با کشورهای اروپایی گردید و رقابت دولت‌ها و کمپانی‌های مختلف را در تجارت ایران موجب گشت. از این رو معاهداتی مختلفی نیز در زمینه تجارت (به ویژه ابریشم) در این دوره بین ایران و اروپاییان منعقد شد و ایران در طی قرون دهم و یازدهم هجری در تجارت ابریشم به مقام شایانی دست پیدا کرد.

پی‌نوشت‌ها و یادداشت‌ها

1- اولئاریوس، آدام، سفرنامه آدام اولئاریوس، ترجمه حسین کردبچه، ج 2، بی جا: شرکت کتاب برای همه، 1369، ص 611.

2- meindelslo, J, A, Beshryvingh van de gedenkwaardige zeeenlandt – reyza dooe persiennae oost-indien, PARIS, 1679, pp, 11-12

نقل از: عیساوی، چارلز، تایخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران، نشر گسترده، 1369، صص 15-16.

3- ducket, Jeffrey, account relation to Iran, in , R Hakluyt, 1589, p 424.

معتضد، خسرو، حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، (تهران):انتشارات جانزاده، 1366، ص 111.

4- ایرانشهر، نشریه شماره 22 کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ج 2، چاپخانه دانشگاه شیراز، 1343، ص 920.

5- Herbert, Thomas, Travels in Persia 1627-29, London, bread travelers, 1928, P 184.

6- کارری، جملی، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبداللعلی کارنگ، آذربایجان شرقی، اداره فرهنگ و هنر، 1348، ص 58-148.

7- درباره تبریز، ر. ک: کارری، جملی، پیشین، ص 21، تاورنیه، ژان باتیستف سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی و تأیید اصفهان، 1369، ص 67، شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج 2، تهران: انتشارات امیر کبیر، 1345، ص 289.

8- The cambridge History of Iran, vol, 6, London, Cambridge university press, 1980, p 437.

مقایسه شود با : تاورنیه، ژان باتیست، ص 602، کارری، جملی، پیشین، ص 149.

9- شاردن، ژان، پیشین، ج 4، ص 371.

10- درباره اهمیت تجاری هرمز بنگرید به: ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، ج 1، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص 268. سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج 2، در حوادث سال 458 هـ.ق، قائم مقامی، جهانگیر، اسناد فارسی و عربی و ترکیب دولت پرتغال، تهران، 1354، ص 33 و بعد اقبال، عباس، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران، 1328، ویلسن، آرنولد، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1310، نوایی، عبدالحسین، ایران و جهان، ج 1، تهران: مؤسسه نشر هما، 1370، صص 248-258.

11- جهت آگاهی از اقدامات شاه عباس در امر تجارت، ر. ک: تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، ص 618، و بعد The Cambridge history of Iran 6, pp 435-440.

طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی واجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی و انتشارات فرانکلین، 1354، صص 338-339. فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، ج 5، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی، 1367، صص 23-227.

12- بنگرید به: دلاواله، پیتر، سفرنامه پیتر دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفا، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1370، صص 142-147.

13- steens gaard, the asian trade revolution of the seventeenth century, chivago, 1973, p 381.

14- تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، صص 403-405.

15- درباره اشکال مختلف شکنجه و مجازات راهزنان و دزدان دستگیر شده ر، ک: تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، صص 614-606 کارری، جملی، پیشین، صص 138-137. ترکمان، اسکندریک، تاریخ عالم آرای عباسی، ج 3، به اهتمام ایرج افشار، تهران، انتشارات امیر کبیر و کتابفروشی تأیید اصفهان، 1350، ص 1103، دلاواله، پیشرو، پیشین، صفحات مختلف، منجم، جلال الدین محمد، تاریخ عباسی یا روزانه ملاجلال، به کوشش سیف الله وحیدنیا، تهران، انتشارات وحید، 1366، صص 121-120، 190 و 421، فلسفی، نصرالله پیشینی، ج 2، صص 508-503.

16- the Cambridge history of iran , vol 6, p 453.

درباره اقدامات راه سازی شاه عباس در مازندران، ر، ک: تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج 3، تهران: دنیای کتاب، 1377، صص 1643 و 1641.

17- درباره وضعیت کاروانسراها در ایران به مأخذ زیر مراجعه شود: تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، صص 130-122. کارری، جملی، پیشین، صفحات مختلف، سیرو، ماکسیم، کاروانسراهای ایران و ساختمانهای کوچک میان راه، ترجمه عیسی بهنام، قاهره، 1949، صفحات مختلف، شاردن، ژان، پیشین، مجلدات مختلف شاردن فقط در اصفهان 1802، باب کاروانسرا احصا کرده است.

Siroux, maxime, les caravanserais routiers safavids, in : Iranian studies, vol 7, 1974, pp, 348-362.

18- وارتمان، لودویک، سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، 1364، صص 74-73، تاج بخش، احمد، ایران در زمان صفویه، تبریز، انتشارات کتابفروشی چهر، 1440، ص 55.

19- والسر، سیبلا شوشتر، ایران صفوی از دیگاه سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، 1364، صص 74-73، تاج بخش، احمد، ایران در زمان صفویه، تبریز، انتشارات کتابفروشی چهر، 1441، ص 55.

The canbridge history of iran, p 444.

20- ترکان، اسکندریکه، پیشین، ج 3، ص 1801.

21- والتاریوس، آدام، پیشین، ص 611. دلاواله، پیتر، پیشین، صص 147-142، تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، ص 409، کاتف، فدت آفاناس یویچ، سفرنامه کاتف، ترجمه محمد صادق همایونفرد، تهران، چاپ شرکت دباستریپ، 1365، ص 64.

22- درباره کوچاندن ارامنه از نواحی ارمنستان به اصفهان و مازندران توسط شاه عباس، ر.ک. ترکمان، اسکندریکه، پیشین، ج 2، صص 669-668. تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، صص 401، 400، شاردن، ژان، پیشین، ج 8، صص 95-94. فوکاسیان، هراند، (شاه عباس و ارامنه جلفای اصفهان)، مجله هور، ش 34، فروردنی، 1353، صص 62-60. فلسفی، نصر الله پیشین، ج 1، ص 47، و بعد، ج 3، صص 1119-1107.

Gregorian, varta, minorities of isfahanl : the Armenian community of Istahan 1587 – 1722 in : Iranian studies, vol 11, 1978, pp 658-661.

23- در این باره، ر. ک: دلاواله، پیترو، پیشین، صص 170-171.

24- تاورنیه، پان، باتیست، پیشین، ص 515، مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1370، ص 31.

25- درباره نقش ارامنه در تجارت و اقتصاد صفویه، ر.ک: سفرنامه تاورنیه، صص 401-405. فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس ج 3، صص 1107-1151.

Gregorian, varta, op, cit

26- اولتاریوس، آدام، پیشین، ص 63.

فهرست منابع

- ابن بطوطه، سفرنامه: ترجمه محمد علی موحد، ج 1، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،
- اولتاریوس، آدام، سفرنامه اولتاریوس، ترجمه حسین کردبچه، ج 2، تهران: کتاب برای همه، 1369.
- ایرانشهر، نشریه شماره 22 کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ج 2، چاپخانه دانشگاه شیراز، 1343.
- تاج بخش، احمد، ایران در زمان صفویه تبریز: انتشارات کتابفروشی چهر، 1440.
- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، 1360.
- ترکمان، اسکندریک، تایخ عالم آرای عباسی، به اهتمام ایرج افشار، ج 3، تهران: انتشارات امیر کبیر و کتابفروشی تأیید اصفهان، 1350.
- دلاواله، پیترو، سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفا، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1370.
- سیرو، ماکسیم، کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه، ترجمه عیسی بهنام، قاهره، 1949.
- شاردن ژان، سیاحتنامه شاردن، ج 2 و 4 ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، 1345.
- طاهری، ابوالقاسم تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس . چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی و انتشارات فرانکین، 1354.
- عیساوی، چارلز، تایخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران، نشر گسترده، 1369.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، ج 1، 2، 3، و 5 چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی، 1367.
- تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، قسمت اول، تهران: چاپخانه، ایران، 1316.
- قائم مقامی، جهانگیر، اسناد فارسی و عربی و ترکی دولت پرتغال، تهران، 1354.
- قوکاسیان، هراند، (شاه عباس و ارامنه جلفای اصفهان) مجله هور، شماره 44، فروردین، 1353.

- کاتف، فدت آفاناس یویچ، سفرنامه کاتف ترجمه محمد صادق همایونفرد. تهران: چاپ شرکت دیاستریپ، 1356.

- کارری، جملی، سفرنامه جملی کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، آذربایجان شرقی، اداره فرهنگ و هنر، 1348.

- معتضد، خسرو، حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، تهران، انتشارات جانزاده، 1366.

- منجم، جلال الدین محمد: تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف الله وحیدنیا، تهران، انتشارات وحید، 1366.

- منشی، اسکندربیک، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل زضوانی، ج 3، تهران: دنیای کتاب، 1377.

- نوایی، عبدالحسین، ایران و جهان، ج 1، تهران: مؤسسه نشر هما، 1377.

- والسر، سیبیل شوستر، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، 1364.

- Herbert, themas, travels in Persia 1627- 29, London, bread way thravellers, 1928.

- siroux, maxime, les caravanserais routiers safavids, in Iranian studies, vol 7, 1974, 343-362.

- steens gaard, the asian revolation of the seventeenth century, Chicago, 1973.

- the Cambridge history of Iran , vol 6 (the timurid and safavid periods) , edited by peter Jackson and Laurence lockhart, London, Cambridge vniversity press, 1980.